

امکان‌سنجی اجرای آرای داوری تجاری بین‌المللی علیه دولت‌ها؛ مطالعه در نظام حقوقی انگلستان با تأملی در حقوق ایران

سید مسعود میری (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

mirismasoud@gmail.com

پرویز ساورایی

دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

savrai@iran-attorney.com

قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۵ (بهار ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

اجرای آرای داوری تجاری بین‌المللی علیه دولت‌ها با این چالش اساسی مواجه است که دولت‌های محکوم‌علیه با استناد به مصونیت، مانع از اجرای آرای داوری می‌شوند؛ امری که می‌تواند تمام فرآیند داوری را بی‌اثر نماید. این پژوهش به روش تطبیقی در دو نظام حقوقی با مدنظر قراردادن وجوه اشتراک و نقاط قوت هر دو نظام صورت پذیرفته است. همچنین روش تحقیق کتابخانه‌ای و در مورد آرای قضایی بصورت میدانی و دریافت آرا از محاکم است. مسئله اصلی تحقیق آن است که چگونه هر یک از این دو نظام، در چارچوب قواعد و ساختارهای تقنینی خود، با ادعای مصونیت دولت‌ها در برابر اجرای آرای داوری مواجه می‌شوند و آیا توازن مناسبی میان احترام به حاکمیت دولت‌ها و اقتضات اجرای مؤثر آرای داوری بین‌المللی برقرار شده است یا خیر. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حقوق انگلستان، با تصویب قانون مصونیت دولت‌ها چارچوبی نسبتاً کارآمد و منطبق بر الزامات داوری بین‌المللی در این خصوص ارائه کرده و در رویه قضایی خود نیز تفکیک دقیقی میان مصونیت صلاحیتی و مصونیت اجرایی قائل شده است. در مقابل، نظام حقوقی ایران به دلیل فقدان قانون خاص درباره مصونیت دولت‌ها و اتکای پراکنده به اصول کلی و رویه‌های غیرمدون، در عمل با ابهاماتی مواجه است که موجب بی‌ثباتی در پیش‌بینی‌پذیری نتایج دعاوی مربوط به اجرای آرای داوری علیه دولت‌ها می‌گردد. در پایان، مقاله پیشنهاد می‌کند که برای ارتقای جایگاه ایران در داوری‌های تجاری بین‌المللی، لازم است اصلاحاتی اساسی در نظام حقوقی ایران پیرامون شناسایی و تحدید مصونیت دولت‌ها، به‌ویژه در حوزه اجرای آرای داوری، صورت پذیرد.

واژگان کلیدی

مستثنیات مصونیت دولت‌ها، اجرای آرای داوری تجاری بین‌المللی، کنوانسیون نیویورک، حقوق داوری انگلستان، مصونیت اجرایی دولت.

Feasibility of Enforcement of International Commercial Arbitral Awards Against States: A Study in the Legal System of England with Reflection on Iranian Law

Abstract

The enforcement of international commercial arbitral awards against states faces a significant challenge: many states invoke sovereign immunity to resist execution, potentially rendering the arbitration process ineffective. This research conducts a comparative study between the legal systems of England and Iran, focusing on how each jurisdiction addresses the tension between state immunity and the enforcement of arbitral awards. The study utilizes a library-based methodology, supported by fieldwork involving the collection and analysis of relevant court judgments. The central question explored is how each legal system, within its legislative and institutional framework, responds to state immunity claims at the enforcement stage and whether a proper balance is struck between the principle of state sovereignty and the functional requirements of international arbitration. The findings suggest that the English legal system, through the State Immunity Act 1978, has developed a coherent and arbitration-friendly structure. It clearly distinguishes between jurisdictional immunity and enforcement immunity, a distinction consistently applied in judicial practice. Conversely, the Iranian legal system lacks a dedicated legal framework for state immunity and instead relies on general principles and scattered precedents, leading to ambiguity and legal uncertainty. This undermines the predictability of outcomes in enforcement proceedings involving states. The article concludes by recommending that Iran undertake substantive legal reforms to clarify and restrict the scope of state immunity, especially in relation to the enforcement of arbitral awards. Such reforms are essential for enhancing Iran's reliability and attractiveness as a jurisdiction in the field of international commercial arbitration.

Keywords

Exceptions to State Immunity, Enforcement of International Commercial Arbitration Awards ,New York Convention, English Arbitration Law, State Immunity from Execution

مقدمه

در جهان کنونی که مناسبات تجاری فرامرزی با شتابی بی‌سابقه در حال گسترش است، حل و فصل اختلافات ناشی از این روابط، نیازمند سازوکارهایی کارآمد، بی‌طرف و فراملی است. داوری تجاری بین‌المللی به عنوان مهم‌ترین شیوه جایگزین حل اختلاف در روابط تجاری بین‌المللی، به واسطه ویژگی‌هایی چون انعطاف‌پذیری، تخصصی بودن، محرمانگی و قابلیت اجرای فرامرزی آرا، توانسته است اعتماد بازیگران اقتصادی را در عرصه بین‌المللی جلب کند. در این میان، آنچه بر پیچیدگی داورهای تجاری افزوده، حضور دولت‌ها در مقام یکی از طرفین قراردادهای تجاری بین‌المللی است. دولت‌ها که سنتاً به عنوان صاحبان حاکمیت و مصون از تعقیب تلقی می‌شدند، با ورود به عرصه‌های اقتصادی، خود را در معرض داورهای تجاری یافته‌اند؛ امری که اجرای آرا علیه ایشان را با پرسش‌هایی جدی در ساحت حقوق عمومی و بین‌المللی مواجه ساخته است.

نظام‌های حقوقی مختلف، مواضع متفاوتی در خصوص امکان و چگونگی اجرای آرای داوری علیه دولت‌ها اتخاذ کرده‌اند. در این میان، نظام حقوقی انگلستان به عنوان یکی از نظام‌های پیشرو و داوری‌دوست، چارچوب نسبتاً توسعه‌یافته‌ای برای شناسایی و اجرای آرای صادره علیه دولت‌ها، بر پایه‌ی محدودسازی دکترین مصونیت اجرایی دولت، بنیان نهاده است. تحلیل دقیق ساختار حقوقی و رویه‌های قضایی انگلستان در این زمینه، از آن‌رو اهمیت دارد که می‌تواند به عنوان الگویی برای نظام‌هایی چون ایران که هنوز چارچوب منسجمی برای مواجهه با چنین آرای نادارند، مورد توجه قرار گیرد. در برابر این الگو، برخی سازوکارهای خاص داوری همچون کنوانسیون واشنگتن^۱ که به طور خاص ناظر بر حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری میان سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌هاست، برای اجرای آرای صادره ضمانت‌های خاص و نظام شبه‌خودمختاری طراحی کرده‌اند. با این حال، تفاوت اساسی داورهای تجاری بین‌المللی با داورهای سرمایه‌گذاری آن است که اولاً موضوع آنها ناشی از قراردادهای تجاری است، نه الزاماً سرمایه‌گذاری خارجی تحت حمایت معاهده‌ای خاص و ثانیاً تابع قواعد عمومی اجرای آرای داوری (نظیر کنوانسیون نیویورک^۲) هستند، نه نظام خودبسنده‌ای مانند ایکسید. افزون بر آن، ایران به کنوانسیون مذکور ملحق نشده و اصولاً اختلافات تجاری میان دولت ایران و طرف‌های خارجی، غالباً از طریق داورهای تجاری، نه داورهای سرمایه‌گذاری، مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. همین امر، اهمیت بررسی امکان اجرای آرای داوری تجاری علیه دولت ایران را دوچندان می‌کند.

¹ The Convention on the Settlement of Investment Disputes between States and Nationals of Other States (ICSID Convention), 1965

² Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (1958)

پژوهش‌های ارزشمندی در زمینه شرایط اجرای آرای داوری علیه دولت‌ها صورت پذیرفته است که عبارتند از دفاع مصونیت دولت پس از پذیرش ارجاع اختلاف به داوری^۳ که نویسنده در آن پس از بررسی اولیه انواع مصونیت موانع اجرا و راهکارهایی برای اجرای آرای داوری در وضع موجود در حوزه بین‌المللی ارائه داده است. دومین مورد مقاله‌ای با عنوان استثنای «اعمال تصدی» بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل^۴ می‌باشد که در آن نویسندگان اعمال تصدی‌گری دولت را به طور کلی استثنای مصونیت قضایی و اجرا برشمرده و در ادامه به بررسی مفهوم و ماهیت این اعمال در نظم حقوقی بین‌المللی پرداخته‌اند. آخرین نمونه از تحقیقات مشابه نیز مقاله‌ای با عنوان داوری پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی^۵ بود که در این پژوهش نیز نویسندگان اهم اهتمام خود را بر گردآوری تعاریف اموال عمومی و دولتی و تفکیک این دو مفهوم در مقررات داخلی با نگاهی تطبیقی قرار داده و به دنبال تحدید حدود این تعاریف در چهارچوب داوری پذیری اختلافات پیرامون آن در بعد نظری بوده‌اند. لذا همانگونه که توضیح داده شد جملگی تحقیقات پیرامون این موضوع در بیان کلیات و مفاهیم باقیمانده و نه تنها در این مقالات آسیب شناسی وضع موجود و تاثیرات رویه حاضر در کشور، بر مطلوبیت ارجاع امور داوری توسط بازرگانان پرداخته نشده است، بلکه مقایسه قوانین و رویه قضایی محاکم ایران با کشورهای تابع حقوق عرفی نیز در هیچ شکلی انجام نپذیرفته است. چه آنکه در باب قواعد بین‌المللی در این کشورها، بدان علت که قوانین خود را از منشا عرف تجارتي دریافت و وضع می‌نمایند، انگلستان همواره طلایه‌دار پیشنهادات تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در این رابطه بوده و همچنین در بعد عملی، نظرات محاکم این کشورها برای دیگر ملل رویه‌ساز و قابل استناد بوده است. بنابراین، هدف اصلی این مقاله تبیین ظرفیت‌های حقوقی موجود برای اجرای آرای علیه دولت‌ها، شناسایی چالش‌های ناشی از اصل مصونیت دولت و بررسی رویکردهای تطبیقی برای ارائه پیشنهادهایی جهت اصلاح یا تفسیر مقررات داخلی در جهت تقویت داوری تجاری در تعامل با دولت‌ها است. بدیهی است پرداختن به این موضوع، به ویژه در شرایطی که ایران در تعاملات اقتصادی بین‌المللی با افزایش قراردادهای دولتی مواجه است، از حیث نظری و کاربردی اهمیت بسزایی دارد.

از این منظر، پرسش اصلی این پژوهش آن است که تحت چه شرایطی می‌توان آرای داوری تجاری بین‌المللی را علیه دولت‌ها را در نظام حقوقی انگلستان اجرا کرد و حقوق ایران در این

^۳ عزیز، ستار و وحید بذار، «دفاع مصونیت دولت پس از پذیرش ارجاع اختلاف به داوری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹، ۲ (۱۳۹۸)، ۴۷۱-۴۹۰.

^۴ ضیایی، سید یاسر و مرضیه یعقوبی، «استثنای «اعمال تصدی» بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تعالی حقوق، ۴، ۱۳ (۱۴۰۱)، ۲۱۷-۲۴۶.

^۵ کریمی، عباس و حمیدرضا پرتو، «داوری پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق، ۳۶، ۱۴ (۱۳۹۱)، ۱۵۷-۱۸۴.

زمینه با چه چالش‌هایی مواجه است؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش مطالعه تطبیقی و تحلیل اسناد و رویه‌های قضایی، به بررسی ابعاد مختلف شناسایی و اجرای آرای داوری علیه دولت‌ها در حقوق انگلستان می‌پردازد و در ابتدا مفهوم مصونیت دولت‌ها در اجرای آرای داوری در دو بعد ملی و بین‌المللی بررسی شده و در ادامه به تحلیلی از روند نظام حقوقی انگلستان در دو بعد قانونگذاری و رویه قضایی در تعامل با این پدیده پرداخته شده و در انتها با نگاهی انتقادی، وضعیت حقوقی ایران را از حیث موانع و قابلیت‌های قانونی در این زمینه تحلیل خواهد شد.

۱- مفهوم مصونیت دولت‌ها در اجرای آرای داوری بین‌المللی در نظم حقوقی ملی و کنوانسیون‌های بین‌المللی

۱-۱- مفهوم مصونیت دولت‌ها در نظم حقوقی ملی

در ادبیات حقوقی امروز، استعمال لفظ مصونیت، مختص بحث مصونیت دولت‌ها نمی‌باشد؛ بلکه در شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل در مفاهیم متمایزی کاربرد دارد. بنابراین، تحدید و ترسیم چهارچوب‌های مورد نظر از واژه مصونیت هنگام استفاده از آن، از الزامات ابتدایی ورود به این بحث است. مصونیت دولت یا مصونیت حاکمیت، از مفاهیم و اصول حقوق بین‌الملل است که مطابق آن، دولت‌ها به جهت حفظ نظم و هماهنگی بین‌المللی، از اعمال صلاحیت خود بر دیگر دولت‌ها خودداری می‌نمایند. اگرچه این مفهوم بصورت عام، مانعی بر اعمال صلاحیت دول بر یکدیگر تعریف می‌شود، اما بعد قضایی مصونیت، بیش از سایر جنبه‌های آن مورد توجه و منظور قرار می‌گیرد.^۶

از منظر حقوق بین‌الملل، به دلیل استقلال و تساوی حاکمیت‌ها، هیچ دولتی نمی‌تواند بدون رضایت دولت دیگر، نسبت به آن اعمال صلاحیت نماید. این اصل بیانگر آن است که دادگاه‌های داخلی یک کشور نمی‌توانند خود را نسبت به یک دولت خارجی ذی‌صلاح بدانند، مگر آنکه دولت مذکور به طور صریح صلاحیت آن‌ها را پذیرفته باشد. این مسئله دو نتیجه مهم در پی دارد. نخست آنکه دولت‌ها تحت صلاحیت قضایی دادگاه‌های خارجی قرار نمی‌گیرند و از مصونیت قضایی برخوردارند. دوم اینکه اموال متعلق به دولت‌ها که در قلمرو کشور دیگری واقع شده‌اند، قابل توقیف یا اجرای حکم نیستند، مگر آنکه دولت صاحب اموال، صراحتاً از این مصونیت صرف‌نظر کرده باشد. این جنبه از مصونیت که به مصونیت اجرایی معروف است، در بسیاری از موارد مانعی برای اجرای آرای داوری علیه دولت‌ها محسوب می‌شود.^۷

^۶ IAN BROWNLIE, PRINCIPLES OF PUBLIC INTERNATIONAL LAW, SEVENTH EDITION, (LONDON: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 2008), P 328.

^۷ لعیا جنیدی، اجرای آرای داوری تجاری خارجی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های شهردانش، ۱۳۹۲)، ۳۰۵.

امروزه دولت‌ها به طور فزاینده‌ای در تجارت که ماهیت خصوصی دارند، از طریق عوامل دولتی، ارگان‌ها یا شرکت‌های خود مشارکت می‌کنند. بنابراین ناعادلانه خواهد بود که چنین دولتی، در صورت بروز هرگونه اختلافی، از اقدامات دیوان داورى توسط سایر بازیگران در تجارت بین‌الملل مصون باشد. بنابراین یک اصل ثابت حقوق بین‌الملل و منطقی است که عنوان کنیم، هنگامی که یک دولت برای داورى توافقنامه‌ای منعقد کرده است، نمی‌تواند به قانون مصونیت دولت برای به چالش کشیدن شناسایی و اجرای حکم ناشی از فرآیند داورى تکیه کند. بنابراین، فقط در رابطه با فعالیت‌های حاکمیتی ممکن است یک دولت از رسیدگی در دادگاه خارجی مصون باشد و در دوران مدرن، به نظر می‌رسد چیزی مانند مصونیت مطلق، وجود ندارد. لذا دکتربین مصونیت دولتی معمولاً در دو سطح مطرح می‌شود: مصونیت از صلاحیت قضایی و مصونیت از اجرا. اولی اغلب در زمان فرآیند داورى و دومی در زمان درخواست اجرا و شناسایی پیشرفت می‌کند. اگر تکیه بر این دفاع در دادگاه ملی مجری رای مطرح شود، دادگاه احتمالاً قوانین محلی کشور را برای حل این موضوع اعمال خواهد کرد که به علت نفوذ حاکمیت بر دادگاه منجر به بی‌عدالتی خواهد شد.^۸

با اینکه مصونیت از اجرا آخرین سنگر مصونیت دولت است، این قلعه فاقد یک پایه محکم است. درحالی‌که رژیم داورى بین‌المللی تلاش می‌کند با حمایت از سرمایه‌گذاران خصوصی، به سرمایه‌گذاران اجازه دهد تا به جای دادگاه‌های دولتی، اختلافات را از طریق یک روند داورى بین‌المللی حل و فصل کنند؛ اما مصونیت دولتی یک روش قانونی مؤثر برای دولت است تا از پرداخت غرامت به اشخاص خصوصی در برابر آرای داورى اجتناب کند. درست است که نگرانی‌های مهمی وجود دارد که دادگاه‌های ملی از طریق اجرای حکم داورى به حاکمیت دولت دیگر تجاوز کنند، اما با این حال، در نهایت احتیاط بیش از حد ممکن است نه تنها حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، بلکه اهداف دولت طرف داورى را تضعیف کند. با محدود کردن اجرای آرای داورى بین‌المللی علیه دولت‌ها، دادگاه‌های ملی ممکن است جریان وجوهی را که از طریق سرمایه‌گذاری فراملی در دسترس ایشان می‌تواند باشد، محدود کنند.^۹

۲-۱- مفهوم مصونیت دولت‌ها در نظم حقوقی بین‌المللی

به دلیل تنوع رویکردهای ملی به مسائل مربوط به مصونیت دولت‌ها، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد^{۱۰} کنوانسیون در مورد مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و اموال آنها را در ژانویه ۲۰۰۴ تدوین کرد و تا تاریخ نگارش این مرقومه ۲۱ عضو دارد، ۳۰ روز پس از

⁸ OPIYA, ESQ R. (2012). "RECOGNITION AND ENFORCEMENT OF INTERNATIONAL ARBITRAL AWARDS: A COMPARATIVE STUDY OF UGANDAN AND UK LAW AND PRACTICE". AVAILABLE AT SSRN 2569014, (2012), 66. DOI: 10.2139/SSRN.2569014.

⁹ BLANE, ALEXIS. (2008). "SOVEREIGN IMMUNITY AS A BAR TO THE EXECUTION OF INTERNATIONAL ARBITRAL AWARDS". NYUJ INT'L L. & POL, 41(2008), 505. DOI: 10.2139/SSRN.1522244.

¹⁰ United Nations International Law Commission (ILC)

عضویت ۳۰امین دولت اجرایی خواهد شد؛ لذا هنوز بعلت عدم اقبال عمومی کشورها بدان، لازم‌الاجرا نشده است.^{۱۱}

بند (ا) ماده ۱۹ این کنوانسیون^{۱۲}، ماده ۲۳ کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت‌ها^{۱۳} و بند (الف) ماده ۸ پیش‌نویس مواد کنوانسیون مصونیت دولت‌ها تدوین‌شده توسط انجمن حقوق بین‌الملل^{۱۴}، همگی به‌صراحت بر وجود استثناهایی بر اصل مصونیت دولت‌ها از صلاحیت قضایی تأکید دارند. این استثناءها، که در بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی نیز بازتاب یافته‌اند، می‌توانند به‌عنوان شواهدی دال بر عرفی شدن قاعده محدود شدن مصونیت دولت‌ها، به‌ویژه در حوزه‌های تجاری، محسوب شوند.^{۱۵} با این‌وجود، غالباً انصراف از مصونیت قضایی به‌تنهایی متضمن انصراف از مصونیت اجرایی نیست و حتی در مواردی که اعراض به صورت عام و کلی اعلام شده باشد دولت‌ها با تفسیر مضیق، این اعراض را محدود به مصونیت صلاحیت قضایی می‌دانند.^{۱۶} دلایلی که در تقویت این دیدگاه بیان شده‌اند نیز عبارتند از نخست آنکه اگر صرف رضایت به داوری به معنای اعراض از مصونیت تلقی گردد، دیگر مفهومی برای مصونیت دولت باقی نخواهد ماند، چراکه هرگونه اختلاف تجاری که به داوری ارجاع شود، عملاً دولت را از امکان استناد به مصونیت خود محروم خواهد کرد. دوم اینکه، صرف اعلام رضایت به داوری نمی‌تواند به‌طور غیرمستقیم به‌عنوان پذیرش صلاحیت دادگاه‌های خارجی در رسیدگی به اجرای رأی داوری تلقی شود. در واقع، رضایت به داوری به‌لحاظ منطقی و حقوقی، الزاماً به معنای رضایت به اعمال صلاحیت دادگاه‌های خارجی بر فرآیند اجرا و شناسایی رأی نیست. به همین دلیل، اعراض از مصونیت نسبت به دادگاه‌های خارجی، مستلزم ابراز رضایت مستقلی فراتر از صرف رضایت به داوری خواهد بود. این دیدگاه‌های متفاوت نشان می‌دهند که رابطه میان داوری بین‌المللی و مصونیت دولت همچنان یکی از موضوعات پیچیده و بحث‌برانگیز در حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی است که در تفسیر و اجرای اسناد و معاهدات بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند.^{۱۷}

نکته حائز اهمیت در بررسی رویه دولت‌ها آن است که سابقه قضایی موجود در زمینه مستثنی نمودن توافقنامه داوری از مصونیت دولت‌ها بسیار محدود بوده و رویه قضایی صریح و

¹¹ JURATOWITCH, BEN. (2016). "WAIVER OF STATE IMMUNITY AND ENFORCEMENT OF ARBITRAL AWARDS". ASIAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, 6, 2(2016), 200.

¹² United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property (2004)

¹³ European Convention on State Immunity (1972)

¹⁴ Draft Articles on Jurisdictional Immunities of States, prepared by the International Law Commission (ILC)

¹⁵ موسی‌زاده، ابراهیم و معصومه دارائی، «مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها در پرتو آخرین تحولات»، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۲۵، (۱۳۹۷)، ص ۲۵.

¹⁶ عزیزی، ستار و وحید بذار، «دفاع مصونیت دولت پس از پذیرش ارجاع اختلاف به داوری» فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹، ۲ (۱۳۹۸)، ص ۴۷۷.

¹⁷ خضری، مرتضی، «استثنای توافق داوری بر اصل مصونیت دولت»، پژوهش‌نامه اندیشه حقوقی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۱ (۱۳۹۱)، ص ۵۹.

یکپارچه‌ای در این خصوص شکل نگرفته است. این امر نشان می‌دهد که همچنان اختلاف‌نظرهایی در خصوص میزان تأثیر رضایت دولت به داوری در سلب مصونیت اجرایی آن وجود دارد و دادگاه‌های ملی، بسته به نظام حقوقی خود، تفسیرهای متفاوتی از این موضوع ارائه می‌کنند.^{۱۸} اما امروزه می‌توان گفت نگاه اکثریت نظام‌های حقوقی به مسئله مصونیت اینگونه است که تنها اگر دولتی در توافق با یک نهاد غیردولتی، قبل از رسیدگی دادگاهی که توسط آن نهاد برای اجرای حکم داوری علیه آن دولت مطرح می‌شود، مصونیت دولتی را لغو کرده باشد، دادگاه مجری رای داوری باید این الغا مصونیت را مدنظر قرار داده و رای داوری را علیه دولت اجرا کند. با گذر از این حدود مصونیت نیز در مرحله اجرا حتی امکان دارد محکوم‌له موفق به دریافت غرامات خود نگردد چراکه اکثر قوانین داخلی کشورها از اموال ماهیتا حاکمیتی دولت‌ها در قبال توقیف حمایت به عمل می‌آورند و صرفاً در مورد اموال اقتصادی دولت اجرای آرای داوری را با رعایت شرط اعراض از مصونیت ممکن می‌دانند. از آن گذشته در تقیید این اموال اقتصادی نیز بیان می‌دارند که لازم است میان اموال اقتصادی فعالیت یا موجودیتی که دعوا در مورد آن مطرح شده و یا سرزمین محل اجرای رای رابطه‌ای وجود داشته باشد.^{۱۹}

در نهایت، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که گرایش حقوق بین‌الملل معاصر، به‌ویژه در حوزه داوری تجاری بین‌المللی، در راستای محدودسازی موانع ناشی از مصونیت دولت‌ها و کاهش قابلیت استناد آن‌ها به این نهاد در مقام طرف اختلاف، در حال تقویت است. مهم‌ترین پشتوانه این تحول، رویه قضایی تثبیت‌شده‌ای است که در سال‌های اخیر در محاکم ملی و بین‌المللی شکل گرفته و به تدریج بر نفی یا تحدید امکان استناد دولت‌ها به مصونیت قضایی، به‌ویژه در دعاوی ناشی از فعالیت‌های تجاری و اقتصادی، تأکید می‌ورزد.

۲- اجرای آرای داوری علیه دولت‌ها در نظام حقوقی انگلستان

۱-۲- قوانین موضوعه در حقوق انگلستان

در انگلستان در ابتدا، اصل مصونیت مطلق دولت‌ها محترم شمرده می‌شد و حتی این اصل مقدس تلقی می‌شد. بنابراین به عنوان یک قاعده کلی، یک دولت از صلاحیت دادگاه‌های انگلستان مصون بود مگر اینکه قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد. در این زمان دادگاه‌های انگلستان بر حراست از این اصل بسیار سفت و سخت بودند و نظریه مصونیت مطلق را اجرا می‌کردند.^{۲۰}

¹⁸ Andrew DICKINSON AND RAE LINDSAY AND JAMES P. LOONAM, STATE IMMUNITY: SELECTED MATERIALS AND COMMENTARY, (OXFORD: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 2005), P 273.

¹⁹ Jin, Sun. (2010). "The Linkage Requirement in Enforcement Immunity," Chinese Journal International Law, Vol. 9, 4(2010), pp. 699-716. P 699. Doi: 10.1093/chinesejil/jmq029.

²⁰ PARLEMENT BELGE CASE (1880) 5 P.D 197; THE PORTO ALEXANDRE CASE [1918-19] ALL.ER REP.615

در این مورد، اولین سوالی که هنگام مطرح شدن موضوع مصونیت دولت مطرح می‌شود این است که تعریف دولت تا چه اندازه موسع است؟ بر اساس قانون مصونیت دولتی انگلستان^{۲۱}، دولت به عنوان هر دولت خارجی یا دارای ثروت مشترک به جز انگلستان تعریف می‌شود. به نظر می‌رسد در تعیین اینکه آیا یک وزارت یا بخش دولتی به منظور تعیین اینکه آیا می‌تواند از مصونیت دولتی بهره‌مند شود یا خیر، باید به این سوال پاسخ داد که آیا در مقام حاکمیت عمل می‌کند یا نه؟ به همین دلیل، پیشنهاد شده است که برای جلوگیری از چنین مواردی، هنگام عقد قرارداد با چنین نهادهایی باید به صراحت بیان شود که آیا آنها یک وزارت دولتی هستند و اینکه مصونیت آنها لغو می‌شود یا خیر. اما با گذشت زمان به دلیل افزایش مشارکت در فعالیت‌های تجاری، دادگاه‌ها در این مورد اختلاف نظر کردند و برخی به دفاع از مفهوم مصونیت نسبی پرداختند.^{۲۲} در ادامه نیز حقوق عرفی در مورد مصونیت دولتی در سال ۱۹۷۸ با قانون مصونیت دولتی جایگزین شد. که در بند ۲ از ماده ۲ آن قانون، صراحتاً امکان چشم‌پوشی از مصونیت دولتی با توافقنامه کتبی قبلی پیش‌بینی شده است. لرد کالینز مشاهده کرده که این مهم، اصل اعلام شده در پرونده کاهان علیه فدراسیون پاکستان که مبنای عرفی مصونیت پیش از تصویب قانون مذکور بود را نقض کرد و سر ایان سینکلر خاطرنشان کرد که قاعده عرفی که در مورد کاهان علیه پاکستان اعمال شد، با این قانون برای آینده لغو شده.^{۲۳} به موجب قانون فوق این مقرر در نظام حقوقی انگلستان استوار شد که «در صورتی که یک کشور کتباً موافقت کرده باشد که اختلاف موجود یا آینده را به داوری ارائه کند، دولت در رابطه با رسیدگی‌های مربوط به داوری در دادگاه‌های بریتانیا مصون نیست».^{۲۴} لذا نتیجه شد که یک کشور در دادگاه‌های انگلستان از قضایای مربوط به داوری مصون نیست^{۲۵} و بنابراین جایی که یک دولت با امضای توافقنامه داوری با داوری موافقت کرده باشد یا به یک قرارداد تجاری منعقد شده ملحق گردد، از دفاع با عنوان مصونیت حاکمیتی منع می‌شود^{۲۶} و یک توافقنامه داوری معتبر، به عنوان چشم‌پوشی از مصونیت دولت در نظر گرفته می‌شود.^{۲۷}

²¹ State Immunity Act 1978

²² LORD ATKIN IN HIS DISSENTING JUDGMENT IN COMPANIA NAVIERA VASCONGADO V. SS. CRISTINA [1938] A.C 418 MOOTED FOR PARTIAL IMMUNITY.

²³ JURATOWITCH, BEN. (2016). "WAIVER OF STATE IMMUNITY AND ENFORCEMENT OF ARBITRAL AWARDS". ASIAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW.6, 2(2016):208.

²⁴ STATE IMMUNITY ACT 1978.

^{۲۵} خزاعی، حسین، «مصونیت اجرایی دولت و سازمان‌های بین‌المللی در مقابل آرای داوری (تفسیر یک رای)»، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ۳۴، (۱۳۸۵)، ص ۳۱.

²⁶ SOVEREIGN IMMUNITY ACT 1978, SS 2 (1), 3(1) (A).

²⁷ OPIYA ESQ, ROBERT. (2012). "RECOGNITION AND ENFORCEMENT OF INTERNATIONAL ARBITRAL AWARDS: A COMPARATIVE STUDY OF UGANDAN AND UK LAW AND PRACTICE". AVAILABLE AT SSRN 2569014. (2012),85. DOI: 10.2139/SSRN.2569014.

بر اساس قانون مصونیت دولتی در انگلستان، اصل بر مصونیت دولت‌ها در برابر صلاحیت قضایی محاکم این کشور است، مگر در مواردی که استثنائاً در متن قانون تصریح شده باشد. به موجب ماده ۳ این قانون، دولت‌ها در برخی دعاوی مشخص از مصونیت برخوردار نبوده و امکان اقامه دعوا علیه آن‌ها در محاکم انگلیس فراهم است. بر این اساس، قانون‌گذار انگلیسی در تشخیص موارد استثنای بر اصل مصونیت، از ملاک ماهیتی پیروی کرده است؛ به این معنا که تمرکز بر نوع و ماهیت رفتاری است که دولت در آن مشارکت کرده، و نه بر شخصیت حقوقی دولت. به بیان دیگر، هرگاه دولت در چارچوب روابط حقوق خصوصی و فعالیت‌های اقتصادی متداول وارد معامله‌ای شود، حتی با حفظ وصف حاکمیتی خود، نمی‌تواند به اصل مصونیت استناد ورزد.

ماده ۹ این قانون نیز با رویکردی گسترده و تقریباً غیرمشروط تدوین شده است. تنها شرطی که در این ماده مورد تأکید قرار گرفته، شرط کتبی بودن توافق داوری است که این الزام نیز با مفاد ماده ۵ قانون داوری انگلستان هماهنگ است. بر اساس این ماده، چنانچه توافق داوری از سوی یک دولت منعقد شود، آن دولت در جریان رسیدگی قضایی از مصونیت برخوردار نخواهد بود و امکان مداخله دادگاه در امور مربوط به داوری فراهم خواهد شد. علاوه بر این، ماده ۹ قانون مصونیت دولتی انگلستان در سه مورد دارای دامنه‌ای وسیع‌تر نسبت به ماده ۱۲ کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت است: نخست، اختلافاتی که به موجب این ماده مشمول صلاحیت محاکم انگلستان قرار می‌گیرند، الزامی برای داشتن ماهیت مدنی یا تجاری ندارند. دوم، انجام داوری نیازی به وقوع در قلمرو انگلستان یا تطابق با قوانین این کشور ندارد. سوم، دامنه دعاوی مشمول این ماده، صرفاً با عبارت «مرتبط با این داوری» محدود شده است. این عبارت، مفهوم گسترده‌ای دارد و تنها کافی است که خواهان نشان دهد میان داوری و موضوع دعوی، یک ارتباط واقعی ولو با درجه‌ای اندک، وجود دارد.

همچنین بخش ۲ از ماده ۹، به طرفین اجازه می‌دهد که برخلاف صلاحیت قضایی مقرر در این ماده توافق نمایند. به این معنا که اگر طرفین در قرارداد داوری خود تصریح کنند که دادگاه‌های انگلستان صلاحیت نظارتی بر تفسیر و اجرای موافقت‌نامه داوری را نخواهند داشت، این توافق برای محاکم انگلستان الزام‌آور خواهد بود. به عبارت دیگر، توافق داوری مقرر در این قانون، ماهیتی تکمیلی دارد و طرفین می‌توانند با توافق متقابل، دامنه اجرای آن را محدود یا مستثنی سازند.

Dallah Real Estate and Tourism Holding Company v. Ministry of Religious Affairs, Government of Pakistan²⁸

در واقع بسیار شبیه مطلعی در یک سری طولانی از آرای داوری است که به موضوع جدایی دولت‌ها از نمایندگی و نقش ابزاری آنها می‌پردازد. این موضوع بسیار پرتکراری بود، زیرا در زمان بروز اختلاف و داوری، نقش ابزاری که طرف امضاکننده است، اغلب دیگر پاسخگوی مسئولیت‌های خود نیست. این خواننده و متعهد قراردادی، ممکن است فاقد دارایی برای پرداخت محکوم‌به رای داوری باشد و حتی ممکن است دیگر وجود نداشته باشد. دیوان عالی انگلستان در پرونده دالا، اجرای حکم داوری صادر شده در فرانسه را علیه دولت پاکستان رد کرد. به این دلیل که دولت پاکستان، امضاکننده توافقنامه داوری (که توسط یکی از نماینده‌های آن امضا شده بود) نبود. بنابراین این دولت هرگز به آن توافقنامه متعهد نیست و بنابراین مسئولیتی در قبال اجرای رای ندارد. تصمیم انگلستان در این زمینه به وضوح نادرست بود؛ زیرا تنها چند ماه بعد و با آگاهی کامل از حکم انگلستان، دادگاه استیناف پاریس تلاش دولت پاکستان برای لغو این رای در فرانسه را رد کرد. مطمئناً، دیوان عالی انگلستان، بر معیار نیت مشترک در تعیین جدایی دولت از اجزای آن در زمینه داوری تکیه کرده است. از سوی دیگر، دادگاه در حالیکه به نظر می‌رسد به طور جدی در مورد قوانین مربوطه فرانسه تحقیق می‌کند، ممکن است از آن عدول و اهمال کرده باشد چراکه طرفین قرارداد، مطمئناً به ساختار و محتوای توافق خود اهمیت بیشتری می‌دهند تا الگوهای کنترل دولت بر اجزای خود در طول دوره قرارداد. اما در حالیکه دادگاه بریتانیا ممکن است به نیت مشترک طرفین پی‌برده باشد، دولت‌ها را نیز تشویق می‌کند تا ابزارهای دولتی (اعم از شرکت‌های دولتی و سایر عناصر تحت امر خود ولی با شخصیت مستقل) را، بین خود و طرف‌های قرارداد خصوصی قرار دهند. دولتی که مصمم است از ابزار و قراردادهای ابزاری خود فاصله بگیرد، در اصرار بر اینکه ساختار قرارداد به گونه‌ای تنظیم شود که به آن هدف دست یابد، مشکلی نخواهد داشت.²⁹

موضع عمومی در بریتانیا این است که رضایت به داوری به منزله چشم‌پوشی از مصونیت دولت از صلاحیت رسیدگی است، اما نه از اجرای رای. درک میزان لغو مصونیت دولتی به موجب یک بند داوری در انگلستان، مستلزم بررسی دقیق تفسیر قانون مصونیت دولتی ۱۹۷۸ است که توسط دادگاه استیناف انگلستان و ولز در پرونده

*Svenska Petroleum v. Government of the Republic of Lithuania (Svenska Petroleum)*³⁰

انجام شد. در این پرونده یک طرف خصوصی سوئدی و دولت لیتوانی موافقت کردند تا اختلافات ناشی از قرارداد بین آنها را که توسط قانون لیتوانی اداره می‌شود، داوری در دانمارک

²⁸ [2010] UKSC 46 (Nov. 3, 2010).

²⁹ BERMAN, GEORGE A. (2011). "THE UK SUPREME COURT SPEAKS TO INTERNATIONAL ARBITRATION: LEARNING FROM THE DALLAH CASE". *AM. REV. INT'L ARB.*, 2(2011), 19.

³⁰ [2006] EWCA Civ. 1529

حل و فصل کند. این رای جهت اجرا در انگلستان ارائه شد و دادگاه‌های انگلیسی بند ۱ از ماده ۹ قانون مصونیت دولتی انگلستان را به گونه‌ای تفسیر کردند که به نظر می‌رسد لیتوانی مصونیت خود را از رسیدگی در بریتانیا د رمورد اذن بر اجرای حکم ناشی از داوری لغو کرده است، اما مصونیت خود بر اجرا در برابر دارایی‌های خود را لغو نکرده است. کما اینکه این ماده مقرر می‌دارد: در صورتی که یک کشور کتباً موافقت کرده باشد که اختلافی را که به وجود آمده یا ممکن است به وجود بیاید به داوری ارجاع دهد، دولت از نظر رسیدگی در مورد مسائلی که مربوط به داوری است در دادگاه‌های انگلستان مصون نیست. دادگاه عالی انگلستان از آن زمان تأیید کرده است که اثر ماده ۹ «رفع مصونیت دولت در رابطه با اجرای آرای داوری علیه کشورها، از جمله آرای داوری خارجی» بود. رای دادگاه استیناف انگلستان نیز در این پرونده به شرح زیر است:

«قاضی معتقد بود که هیچ مبنایی برای تفسیر ماده ۹ قانون مصونیت دولتی (به ویژه زمانی که در چارچوب مقررات بخش ۱۳ مربوط به اجرا در نظر گرفته می‌شود) به عنوان مستثنی از رسیدگی‌های مربوط به اجرای حکم داوری خارجی وجود ندارد. ما فکر می‌کنیم که داوری یک رویه توافقی است و اصل و زیربنای ماده ۹ این است که اگر کشوری موافقت کرده است که به داوری تسلیم شود، خود را تابع فرآیندی قرار داده است که ممکن است برای مؤثرکردن داوری لازم باشد.»^{۳۱}

برای حل این موضوع مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری^{۳۲} عبارت زیر را برای گنجاندن در موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری برای سلب مصونیت از اجرا علیه دولت‌ها پیشنهاد می‌کند: «دولت میزبان بدینوسیله از هرگونه مصونیت دولتی نسبت به خود و دارایی‌های خود در رابطه با اجرا رای صادر شده توسط یک دیوان داوری که بر اساس این توافقنامه صادر شده است، چشم‌پوشی می‌کند.» با توجه به شرایط کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل متحد در مورد مصونیت دولت‌ها، و احتیاط قضایی در برخی از حوزه‌های قضایی برای اعمال کامل لغو مصونیت دولتی، به ویژه در مواردی که به اجرا علیه دارایی‌های یک دولت مربوط می‌شود، ممکن است برای محکوم‌له داوری، چشم‌پوشی جامعتری لازم باشد تا شانس بیشتری برای تبدیل حکم علیه یک دولت به پول نقد داشته باشد.^{۳۳}

یک تصویر نسبتاً جدید نیز در پرونده

L R Avionics Technologies Limited v The Federal Republic of Nigeria^{۳۴}

^{۳۱} JURATOWITCH, BEN. (2016). "WAIVER OF STATE IMMUNITY AND ENFORCEMENT OF ARBITRAL AWARDS". ASIAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, 6, 2(2016), 223.

^{۳۲} International Centre for Settlement of Investment Disputes (ICSID)

^{۳۳} JURATOWITCH, BEN. (2016). "WAIVER OF STATE IMMUNITY AND ENFORCEMENT OF ARBITRAL AWARDS". ASIAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, 6, 2(2016), 231.

^{۳۴} [2016] EWHC 1761.

ارائه شده است. رای داوری در این پرونده در ژوئیه ۲۰۱۶ به رسمیت شناخته شد و در یک حکم انگلیسی گنجانده شد. اما تلاش بعدی برای اجرای رای از طریق صدور حکم توقیف علیه ملکی که متعلق به دولت نیجریه است، توسط دادگاه انگلیس بر این اساس که این دارایی برای اهداف تجاری استفاده نمی‌شود، مجاز شمرده نشد. درحالی‌که این ملک، توسط دولت نیجریه به یک شرکت خصوصی اجاره داده شده بود، اما برای اهداف کنسولی دولت استفاده می‌شد. این پرونده نشان می‌دهد که باید از ابتدای ادعا علیه یک دولت برای اجرای رای مراقبت‌های ویژه‌ای انجام شود.^{۳۵}

در پرونده

*Pocket Kings Ltd v Safenames Ltd v. Commonwealth of Kentucky*³⁶

نتیجه حاصل از بررسی قضایی بر این شد که ایالت کنتاکی از مصونیت برخوردار نباشد. زیرا یک دولت مستقل نبود و از اختیارات حاکمیتی یک دولت مستقل استفاده نمی‌کرد؛ بلکه دولت فدرال مستقل در ایالات متحده آمریکا، قلمروی تشکیل دهنده آن بود. در رای قضات نیز پیشنهاد شد که برای جلوگیری از چنین مواردی که مشکوک به اعمال مصونیت دولتی هستند، بهتر است در هنگام عقد قرارداد، به صراحت و با عبارات واضح بیان شود که آیا آنها یک وزارتخانه یا نهاد دولتی به شمار می‌روند یا مصونیت آنها با امضای موافقتنامه داوری لغو می‌شود. طبق قوانین انگلستان که بیان شد، جایی که یک دولت با امضای موافقتنامه داوری با داوری موافقت کرد یا یک قرارداد تجاری را منعقد می‌نماید، از دفاع با استناد به مصونیت حاکمیتی منع می‌شود و به صلاحیت دادگاه‌های انگلستان تسلیم شده است.^{۳۷} بنابراین یک موافقتنامه معتبر داوری با هر نهاد دولتی، به عنوان چشم‌پوشی این نهاد از دفاع ذیل عنوان مصونیت دولت عمل می‌کند.^{۳۸}

برخی از دادگاه‌ها در مورد امکان پذیرفتن کنوانسیون ۲۰۰۴ سازمان ملل در مورد مصونیت دولت‌ها، به عنوان نماینده حقوق بین‌الملل عرفی، مشتاقتر بوده‌اند. در سالی که این کنوانسیون برای امضا در اختیار اعضا قرار گرفت، توسط آقای قاضی آیکنز در پرونده

*AIG Capital Partners v. Kazakhstan*³⁹

در دادگاه عالی انگلستان و ولز رای دادگاه در برابر دفاعی با موضوع مصونیت دولتی به شرح زیر توصیف شد:

³⁵ CHARLIE LIGHTFOOT AND JAMES WOOLRICH, GUIDE TO ENFORCEMENT OF FOREIGN ARBITRAL AWARDS AND COURT JUDGMENTS IN ENGLAND AND WALES. (LONDON: JENNER & BLOCK LONDON LLP, 2017), P 28.

³⁶ [2009] EWHC 2529 (Ch)

³⁷ SOVEREIGN IMMUNITY ACT 1978, SS 2 (1), 3(1) (A).

³⁸ OPIYA ESQ, ROBERT. (2012). "RECOGNITION AND ENFORCEMENT OF INTERNATIONAL ARBITRAL AWARDS: A COMPARATIVE STUDY OF UGANDAN AND UK LAW AND PRACTICE". AVAILABLE AT SSRN 2569014. (2012), 84. DOI: 10.2139/SSRN.2569014.

³⁹ [2005] EWHC 2239.

«من کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و دارایی‌های آنها را که توسط مجمع عمومی تصویب شده است، به عنوان مهمترین راهنما در مورد وضعیت افکار بین‌المللی در مورد اینکه محدودیت مشروع در برابر اموال دولتی در حق طرفین برای اجرا چه چیزی است و چه چیزی نیست، می‌دانم. من می‌پذیرم که کنوانسیون به صرف تدوین و تا پیش از الحاق کشورها بدان، در حقوق بین‌الملل یک امر آمره محسوب نمی‌شود. من اذعان دارم که کنوانسیون هنوز توسط هیچ دولتی تصویب نشده است. اما وجود و تصویب آن توسط سازمان ملل پس از کار طولانی و دقیق کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته موقت سازمان ملل متحد در مورد مصونیت‌های قضایی دولت‌ها و دارایی‌های آنها، تفکر بین‌المللی را در این زمینه به شدت نشان می‌دهد.»^{۴۰}

همانطور که در روند و تفسیر آرای فوق مشاهده شد، در انگلستان ابتدا اصل مصونیت مطلق دولت‌ها رعایت می‌شد و دولت‌ها مقدس تلقی می‌شدند. بنابراین به عنوان یک قاعده کلی، یک کشور از صلاحیت دادگاه‌های بریتانیا مصون بود مگر اینکه قانون خلاف آن را مقرر کرده باشد. دادگاه‌های انگلیسی در اجرای نظریه مصونیت مطلق سخت و محکم بودند. اما با گذشت زمان به دلیل افزایش مشارکت در فعالیت‌های تجاری، دادگاه‌ها در این مورد چندپاره شدند و برخی به دفاع از مصونیت جزئی پرداختند. نهایتاً این کشور به عنوان یکی از وفادارترین کشورهای خانواده کامن‌لا به تئوری مصونیت مطلق^{۴۱}، در سال ۱۹۷۸ با تصویب قانون مصونیت دولت به صراحت از سنت کامن‌لا عدول کرد و صراحتاً در ماده ۳ این قانون اعلام داشت که دولت‌های خارجی در امور بازرگانی خود از مصونیت برخوردار نیستند.

۳- اجرای آرای داوری علیه دولت‌ها در نظام حقوقی ایران

۳-۱- قوانین موضوعه در حقوق ایران

همانطور که گفته شد، مصونیت دولت یکی از مهم‌ترین موانع شناسایی و اجرای آرای داوری به‌ویژه در مواردی است که رأی داوری علیه دولت صادر شده باشد. منشأ طرح این مانع، جایگاه ویژه دولت‌ها در نظم حقوقی بین‌المللی و داخلی است. مصونیت دولت‌ها به‌عنوان اصلی عام در نظام حقوق بین‌الملل، هم در مرحله نظارت قضایی بر روند داوری و هم در مرحله اجرای آرای داوری، همواره مورد توجه بوده است. با این حال، کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در خصوص شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی که ایران به آن ملحق شده است و همچنین قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶، به صراحت مصونیت دولت را در زمره موانع

⁴⁰ JURATOWITCH, BEN. (2016). "WAIVER OF STATE IMMUNITY AND ENFORCEMENT OF ARBITRAL AWARDS". ASIAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, 6, 2(2016), 215.

⁴¹ Absolute Immunity Doctrine

اجرای رأی داورى ذکر نکرده‌اند؛^{۴۲} بلکه عدم اجرای آرای داورى بر أساس داورى ناپذیرى این دعاوى و با تکیه بر اصل ۱۳۹ قانون اساسى و عدم امکان داورى در مورد دعاوى راجع به اموال عمومى و دولتى و مخالفت رای داورى با نظم عمومى توجیه می‌گردد.^{۴۳}

اصل ۱۳۹ قانون اساسى و ماده ۴۵۷ از قانون آیین دادرسى مدنى، از عدم امکان ارجاع اختلافات راجع به اموال عمومى و دولتى صراحتاً سخن به میان آورده‌اند و در موعد اجرا ممکن است مستند به این قواعد آمره، امکان اجرای احکام علیه دولت ایران مسلوب پنداشته شود. اما می‌توان با توجه به نیاز به تحدید تفاسیر مربوطه از مقررات فوق در راستای اعتبار بخشى بین‌المللى به امکان اجرای آرای داورى تجارى بین‌المللى در ایران، تحدید حدود و تفسیر مضیقى در دو بخش اموال دولتى و اموال عمومى به شرح ذیل ارائه داد.

در این مورد برخى نویسندگان چنین استدلال کرده‌اند که آنچه در بستر داورى‌هاى تجارى بین‌المللى مطرح می‌شود، عمدتاً مربوط به اموالى است که در جریان معاملات و فعالیت‌هاى اقتصادى دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و در برخى موارد تحت عنوان «درآمد عمومى» یا «درآمد دولت» شناخته می‌شوند. با این حال، باید به این نکته توجه داشت که صرف مشارکت دولت یا نهادهاى وابسته به آن در معاملات تجارى، به‌خودى خود موجب اطلاق وصف «مال دولتى» بر اموال مورد استفاده در این معاملات نخواهد بود. مطابق اصول حاکم بر حقوق عمومى ایران، این مال در صورتى در زمره اموال دولتى و درآمدهاى عمومى محسوب می‌شود که اولاً، به تملک دولت درآمده باشد و ثانیاً، فرآیند قانونى واریز آن به خزانه‌دارى کل کشور طى شده باشد. تنها در این صورت است که اموال مزبور می‌توانند مشمول نظارت‌هاى مقرر در اصل ۱۳۹ قانون اساسى یا ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسى مدنى قرار گیرند. بر این اساس، وجوه و درآمدهاى ناشى از فعالیت شرکت‌ها و مؤسسات دولتى که در حوزه‌هاى تجارى، بازرگانى یا اقتصادى فعالیت می‌کنند، تنها پس از کسر هزینه‌ها، زیان‌ها و پرداخت حقوق اشخاص ثالث مکن است به‌عنوان درآمد خالص به دولت تعلق گیرد. بنابراین، این قبیل شرکت‌ها و مؤسسات، مادامی‌که در چارچوب حقوق خصوصى فعالیت می‌کنند، باید همانند اشخاص خصوصى تلقى شوند و به تبع آن، اموال و وجوهى که در جریان فعالیت‌هاى تجارى مورد استفاده قرار می‌گیرد، فاقد وصف «اموال دولتى» بوده و از قواعد خاص ناظر بر اموال دولتى مصون هستند.^{۴۴} در نتیجه، در تحلیل قابلیت اعمال مصونیت دولت در اعتبار داورى، باید میان فعالیت‌هاى حاکمیتى دولت و فعالیت‌هاى تجارى نهادهاى عمومى تفکیک قائل شد؛ به‌گونه‌اى که در مورد اخیر، نهاد مزبور در جایگاه یک شخص حقوقى خصوصى قرار گرفته و مشمول قواعد عام داورى، بدون برخورداری از حمایت ناشى از مصونیت دولت خواهد بود.

^{۴۲} السان، مصطفى و زریب نگین تاجى، «چالش‌هاى داورى سرمایه‌گذارى خارجى با تاکید بر نظام حقوقى ایران»، مجله پژوهش‌هاى حقوقى، ۵۵، ۲۲ (۱۴۰۲)، ص ۱۳۲. Doi: 10.22067/economlaw.2022.74637.1133.

^{۴۳} منیژه دانای علمى، محدوده نظارت قضایى بر رای داورى از سوى قضات مللى (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۳)، ۲۶۵.

^{۴۴} کریمى، عباس و حمیدرضا پرتو، «داورى پذیرى دعاوى مربوط به اموال عمومى و دولتى»، فصلنامه پژوهش

حقوق، ۱۴، ۳۶ (۱۳۹۱) ص ۱۷۱

در نظام حقوقی ایران تفکیک میان اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری ریشه در متون قانونی دارد. اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با تقسیم‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، قلمرو فعالیت‌های اقتصادی دولت را مشخص نموده و با برشمردن بخش‌های عمده‌ای از صنایع و خدمات زیربنایی نظیر بانکداری، بیمه، بازرگانی خارجی، انرژی، حمل و نقل، ارتباطات، هواپیمایی، کشتیرانی و امثال آن، به‌طور ضمنی بر ماهیت تصدی‌گری این قبیل فعالیت‌ها دلالت دارد. در ادامه این رویکرد، برخی از قوانین دیگر نیز معیار هدف را در تفکیک میان اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری دولت‌ها ملاک عمل قرار داده‌اند. به عنوان نمونه، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ تصریح می‌دارد: «در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید موجب ورود زیان به دیگری شود، دولت مکلف به جبران خسارت نخواهد بود.» همچنین، ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ تعریفی مشابه ماده فوق ارائه داده است. مفاد این مواد بر جنبه هدف‌محور بودن فعالیت‌های دولت تأکید دارد؛ به این معنا که چنانچه اقدام دولت در راستای تأمین منافع عمومی و با استناد به قوانین انجام شده باشد، در زمره اعمال حاکمیتی محسوب شده و مستوجب مسئولیت مدنی نخواهد بود.^{۴۵}

در مقابل دیدگاه مبتنی بر ملاک ماهوی، ماده ۱۳۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، اعمال تصدی دولت را چنین تعریف کرده است: «آن دسته از وظایفی است که دولت، همانند اشخاص حقیقی و حقوقی در حوزه حقوق خصوصی انجام می‌دهد، نظیر تصدی در امور صنعتی، کشاورزی، حمل‌ونقل، بازرگانی و بهره‌برداری از طرح‌ها.» همچنین، ماده واحده قانون تعیین مرجع رسیدگی به دعاوی بین افراد و دولت (مصوب ۱۳۰۷)، و ماده ۱۱ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ نیز در تأیید این دیدگاه تعاریفی ارائه داده‌اند. بر این اساس، تمایز بین اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در نظام حقوقی ایران به صورت شکلی مورد شناسایی قرار گرفته است، می‌تواند در تبیین حدود قابلیت استناد دولت به مصونیت قضایی یا اجرایی در فرآیند شناسایی و اجرای آرای داور علی‌ه دولت، نقش مهمی ایفا کند.

با این حال، باید توجه داشت که قوانین فوق‌الذکر عمدتاً ناظر به اعمال دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و صراحتاً نسبت به دولت‌های خارجی و رژیم حقوقی حاکم بر مصونیت آن‌ها قابل اعمال نیستند. در رابطه با اعمال تصدی دولت‌های خارجی، ماده ۹ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۹۱، رویکرد مشخص‌تری ارائه می‌دهد. مطابق این ماده: «عوایدی که از اجاره، رهن

^{۴۵} ضیایی، سیدیا سر و مرضیه یعقوبی، «استثنای اعمال تصدی بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تعالی حقوق، ۱۳، ۴(۱۴۰۱)، ص ۲۳۶.

یا فروش اموال دولت خارجی حاصل می‌شود، مشمول مصونیت نخواهد بود.» این مقرر با تمرکز بر نحوه استفاده و بهره‌برداری از اموال، به وضوح ملاک ماهیت را در تمییز فعالیت تجاری و غیرحاکمیتی دولت خارجی مدنظر قرار داده است. با این حال، دامنه این حکم صرفاً به مرحله اجرا محدود است و نافی مصونیت دولت خارجی از صلاحیت قضایی نیست. بدین ترتیب، هرچند نظام حقوقی ایران به تفکیک میان اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری دولت‌های خارجی توجه نشان داده، اما برخورد آن با مسأله مصونیت در مرحله شناسایی و اجرا، هنوز نیازمند تبیین نظام‌مندتر در پرتو تحولات حقوق بین‌الملل معاصر است.^{۶۱}

۲-۳- بررسی و تحلیل رویه قضایی ایران

در مقوله درخواست اجرای رای داور تجاری بین‌المللی علیه دولت ایران، با رجوع به مراجع قضایی استان تهران متأسفانه هیچ دادنامه قابل دسترسی وجود نداشت. بنابراین در این بخش به درخواست اجرای رای داور داخلی علیه شرکت‌های دولتی جهت کشف رویه مشابه در آرای داور تجاری بین‌المللی اکتفا می‌گردد.

در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۱۱۷۹ صادره از شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دعوی مابین سازمان فرهنگی هنری شهرداری و شخص حقیقی پیرامون شرط داور قرارداد دادگاه با این بیان که: «... نظر به اینکه حسب اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی لازم است مصوب هیئت وزیران و مصوبه مربوطه ضمیمه گردد و چنین مصوبه‌ای وجود ندارد...» نسبت به صلاحیت داور در موضوع اختلاف نظر منفی خود را ابراز نمود و با تفسیر نص محور و بدون توجه به موضوع قرارداد و تقسیم‌بندی اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری و سایر استدلال‌های مخالف، ارجاع به داور در مورد شرکت‌های دولتی را فاقد وجاهت دانست.

در فرای از دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۰۳۷۲۴۸۵۳ صادره از شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، قضات محترم صادرکننده رای بیان می‌دارند: «...هرچند که بعضی از نظام‌های حقوقی رجوع دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی را در قانون ملی داخلی و قانونی فراملی داور تجاری بین‌المللی به داوران بدون هیچ قید و شرطی مورد پذیرش قرار داده‌اند لیکن سیستم حقوقی ایران اصل ممنوعیت رجوع دعاوی دولت و سازمان‌های وابسته به آن را در مورد اموال عمومی و دولتی به داور مورد پذیرش قرار داده... اصل مورد بحث به نظر این محکمه جنبه حاکمیتی داشته و نادیده گرفتن آن می‌تواند به حاکمیت دولت خدشه وارد نماید. بدین اعتبار مراد و مقصود قابل انتساب مقنن از اصل ممنوعیت حاصل از اصل و ماده مورد

^{۶۱} ضیایی، سیداسر و مرضیه یعقوبی، «استثنای اعمال تصدی بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تعالی حقوق، ۱۳، ۴(۱۴۰۱)، ص ۲۳۶.

بحث تفکیک بین اعمال تصدی‌گری و اعمال حاکمیتی دولت نبوده و هر دو را شامل می‌شود... چون شرکت اعمال تصدی‌گری انجام می‌دهد، در نتیجه از شمول اصل و ماده استنادی خارج می‌باشد. چه اینکه فلسفه شرکت‌های دولتی که به موجب ماده ۴ قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری با دارا بودن بیش از ۵۰ درصد سرمایه دولت تشکیل می‌شود ناظر به ورود دولت به عرصه تجارت و تصدی‌گری می‌باشد و با حکم قانون چنین شرکت‌هایی نه تنها واجد شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند بلکه اموال و دارایی‌های آنها نیز متعلق به این شخصیت بوده و علی‌الأصول این اموال تعلق به سهامداران شرکت ندارد و در نتیجه اصل ممنوعیت ارجاع به داوری بدون حصول توافق هیئت وزیران صرفاً ناظر به اموال دولتی بوده و به هیچ وجه به اموال شرکت‌های دولتی تسری ندارد...» در این دادنامه قضات محترم در وهله اول تفکیک متداول فیما بین اعمال تصدی‌گری توسط دولت و اعمال حاکمیتی را در تعیین داوری‌پذیری اختلافات رد نموده‌اند لیکن در مرتبه بعد با شرح شرایط ایجاد شرکت‌های دولتی و تفقه در مضمون قانونگذار از تاسیس این شرکت‌ها در کنار استدلال بر عدم اطلاق اموال دولتی بر شرکت‌هایی که دولت سهامدار آن است بر داوری‌پذیری اختلافات آنها به جهت مصلحت عقلایی علی‌رغم ظاهر نصوص تقنینی موجود، صحه گذارده است.

در دادنامه دیگری به شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۸۷۹۶۷۳۲ صادره از شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران، قاضی محترم در رد ایراد غیرقابل داوری بودن موضوع اختلاف با شرکت دولتی بیان داشته است: «...دادگاه بر این باور است که مقررات مذکور در اصل ۱۳۹ قانون اساسی و ماده ۴۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی، راجع به موضوع داوری است و نه طرف داوری. به این معنا مقررات موضوعه ناظر به دعاوی می‌باشد که موضوع خواسته مستقیماً نسبت به اموال دولتی باشد و آنچه در قالب تعهدات مالی ناشی از قراردادهای شرکت‌های دولتی است، منصرف از شمول قید اموال دولتی و عمومی می‌باشد... به بیان دیگر، اموالی که برای تجارت یا سایر اهداف تجاری یا تصدی‌گری در اختیار چنین شرکت‌هایی قرار داده می‌شود یا از این اعمال حاصل می‌شود و در جهت کسب درآمد و یا سایر اهداف تجاری یا تصدی‌گری مورد استفاده قرار گرفته از شمول اموال عمومی و دولتی خارج است و اساساً برداشت موسع از اموال عمومی و دولتی با فلسفه وضع اصل مزبور در قانون اساسی نیز مغایر است...» در این دادنامه نیز قاضی محترم با دو استدلال نسبت به داوری‌پذیری دعاوی شرکت‌هایی که سهامدار دولتی دارند ابراز نظر نموده است. اول آنکه برای شمول مقررات ذیل اصل ممنوعیت، موضوع داوری باید خود اموال این شرکت‌ها باشد و نه تعهدات مالی این شرکت‌ها و دوم اینکه اموال این شرکت‌ها در جهت انجام فعالیت

تجاری یا تصدی‌گری از شمول اموال دولتی و ماهیت حاکمیتی دولت خارج و مغایر با فلسفه اصل ممنوعیت داوری بر اموال عمومی و دولتی است. همانطور که از آرای تمثیلی فوق و بررسی موارد بیشتر توسط نگارنده در رویه قضایی انجام شده است^{۴۷}، روند آرای مراجع دادگستری با استدلال‌هایی شبیه آنچه در دادنامه‌های فوق منعکس شده است، به سمت پذیرش داوری در مورد شرکت‌های دولتی گرایش داشته و امکان فرار شرکت‌های دولتی (که بیشتر طرف دعاوی آنچه از آن به نام دعاوی با طرف دولتی یاد می‌شود) از اجرای آرای داوری با این مستمسک که موضوع غیرقابل داوری است و اموال شرکت اموال دولتی محسوب می‌گردد بیش از پیش مسدود شده و رویه قضایی بر مبنای اصول انصاف و عدالت قضایی به دنبال ارائه تفاسیر و استدلال‌های پیشرو از ظاهر نص مواد و مقررات قانونی می‌باشد.

نتیجه

بررسی امکان اجرای آرای داوری تجاری بین‌المللی علیه دولت‌ها، با تمرکز بر نظام حقوقی انگلستان و با تأملی در حقوق ایران، نشان می‌دهد که تحول در برداشت‌ها و عملکردهای حقوقی نسبت به اصل مصونیت دولت‌ها، نقش بنیادینی در تضمین کارایی داوری در روابط تجاری بین‌المللی داشته است. در طول سالیان، رویکرد سنتی که دولت‌ها را به‌طور مطلق در برابر صلاحیت قضایی و اجرای احکام مصون می‌دانست، به تدریج جای خود را به دکتترین «مصونیت محدود» داده است. در پرتو این تحول مفهومی، اراده دولت‌ها در ورود به قراردادهای تجاری بین‌المللی، به‌ویژه هنگامی که شرط داوری پذیرفته شده باشد، به منزله تنزل از مصونیت قضایی و گاه اجرایی تلقی شده است.

بر اساس یافته‌های تحقیق، انگلستان با تصویب قانون مصونیت دولت در سال ۱۹۷۸ و تثبیت رویه‌های قضایی متعددی که متأثر از آموزه‌های مدرن در حقوق بین‌الملل خصوصی و عمومی است، توانسته است توازن نسبتاً معقولی میان احترام به اصل حاکمیت دولت‌ها و ضرورت تضمین کارایی داوری تجاری برقرار کند. قانون مزبور صراحتاً شرط داوری را نشانه‌ای از

^{۴۷} ۱- دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۰۲۸۵ صادره از شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در عدم اعتبار شرط داوری با وجود احراز عمل تصدی‌گری
۲- دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۰۰۰۸۲۸ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در اعتبار رای داوری به جهت عدم احراز موضوع قرارداد در زمره اموال دولتی
۳- دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۱۰۲۰۰۰۲۶ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در اعتبار رای داوری به جهت عدم احراز موضوع قرارداد در زمره اموال دولتی
۴- دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۰۶۴۰ صادره از شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در اعتبار رای داوری به جهت عدم اطلاق عنوان اموال دولتی بر شرکت دولتی
۵- دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۰۸۴۲ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در اعتبار رای داوری به جهت فعالیت تصدی‌گری

صرف نظر دولت از مصونیت دانسته و در زمینه اجرای آرای داوری خارجی نیز، دادگاه‌های انگلستان در موارد متعددی از تفسیر موسع شرط داوری و پذیرش مسئولیت دولت‌ها حمایت کرده‌اند. تأکید محاکم این کشور بر «رضایت ضمنی» و «رفتار متعارض با ادعای مصونیت» نیز از جمله ابزارهایی است که در راستای کاهش تعارض میان حاکمیت دولت‌ها و منطق انصاف تجاری مورد استفاده قرار گرفته است.

در مقابل، نظام حقوقی ایران همچنان از فقدان یک قانون جامع درباره مصونیت دولت‌ها رنج می‌برد. اگرچه برخی مواد پراکنده در قوانین عادی به این موضوع اشاره‌هایی دارند، اما هیچ رویکرد روشنی در باب اجرای آرای داوری علیه دولت‌ها، به‌ویژه در حوزه فرامرزی، به چشم نمی‌خورد. همچنین، دادگاه‌های ایرانی عمدتاً در مواجهه با دعاوی علیه دولت‌های خارجی، در غیاب چارچوب مفهومی روشن، به اصل مصونیت مطلق تمایل دارند. از سوی دیگر، دستگاه قضایی در خصوص اجرای آرای داوری علیه دولت ایران نیز از سازوکار و فهم مشترک و هماهنگ بهره‌مند نیست و نبود وحدت رویه، اعمال سلیقه‌ای مقررات و ضعف در تفسیر شروط داوری، به چالش‌های جدی در زمینه اجرای چنین آرای دامن زده است.

در این میان، گرچه ایران هنوز به کنوانسیون ایکسید نیپوسته، اما تحلیل مقاله حاضر نشان داد که تمایز میان داوری سرمایه‌گذاری تحت چارچوب ایکسید و داوری تجاری بین‌المللی نباید مانعی برای اصلاح داخلی تلقی شود. همان‌گونه که در تحلیل‌ها مکرراً اشاره شد، داوری تجاری، برخلاف داوری سرمایه‌گذاری، مبتنی بر قرارداد و اراده طرفین و متأثر از قواعد و نظم خصوصی است؛ بنابراین، حتی در فقدان عضویت در ایکسید، اصلاح ساختارهای داخلی می‌تواند گام بلندی در راستای اعتمادسازی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تلقی شود. الگوپردازی از رویکرد انگلستان، به‌ویژه در زمینه پذیرش محدود اصل مصونیت و تقویت اعتبار شرط داوری، در صورت انطباق با مبانی فقهی و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امری امکان‌پذیر است.

از منظر قانونی، تصویب قانونی جامع و شفاف در باب مصونیت دولت‌ها و تعریف استثنائات آن به‌ویژه در حوزه روابط تجاری و داوری، گامی اساسی در این مسیر خواهد بود. از جهت رویه قضایی نیز، تقویت آموزش قضات در حوزه داوری بین‌المللی، صدور آرای مستند به اصول پذیرفته‌شده بین‌المللی، و تلاش برای ایجاد وحدت رویه در تفسیر شروط داوری در قراردادهای دولتی، می‌تواند منجر به ارتقاء انسجام و اعتبار قضایی کشور شود. از این منظر، تجربه حقوق انگلستان نه به‌عنوان الگویی مطلق بلکه به‌مثابه چارچوبی تطبیقی قابل اقتباس و تعدیل در ساختار حقوقی ایران ارزیابی می‌شود.

در نهایت، باید اذعان کرد که دستیابی به تعادلی میان احترام به اصل حاکمیت دولت و الزام به اجرای آرای داوری، نه‌تنها ممکن بلکه ضروری است. هرگونه تأخیر در اصلاحات مورد نیاز،

پیامدهایی نظیر بی‌اعتمادی به نظام دآوری در تعامل با نهادهای دولتی ایران، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، و تضعیف جایگاه ایران در عرصه حقوق تجارت بین‌الملل را در پی خواهد داشت. بنابراین، اجرای آرای دآوری تجاری بین‌المللی علیه دولت‌ها نه تنها چالش حقوقی، بلکه ضرورتی راهبردی در جهت نهادینه‌سازی حاکمیت قانون و تقویت تعامل ایران با نظام حقوقی بین‌المللی است.

منابع

۱- فارسی

۱-۱- کتاب

۱) جنیدی، لعیبا. اجرای آرای دآوری تجاری خارجی. تهران: شهردانش، ۱۳۹۲.
۲) دانای علمی، منیژه. محدوده نظارت قضایی بر رای دآوری از سوی قضاات ملی. تهران: گنج دانش، ۱۴۰۳.

۱-۲- مقاله

۱) السان، مصطفی و زریر نگین تاجی، «چالش‌های دآوری سرمایه‌گذاری خارجی با تاکید بر نظام حقوقی ایران»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۲(۱۴۰۲)، ۵۵-۱۱۵، Doi: 10.22067/economlaw.2022.74637.1133.
۲) خزاعی، حسین، «مصونیت اجرایی دولت و سازمان‌های بین‌المللی در مقابل آرای دآوری (تفسیر یک رای)»، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، ۳۴، (۱۳۸۵)، ۹-۳۲.
۳) خضری، مرتضی، «استثنای توافق دآوری بر اصل مصونیت دولت»، پژوهش نامه اندیشه حقوقی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۱(۱۳۹۱)، ۴۵-۷۱.
۴) ضیایی، سید یاسر و مرضیه یعقوبی، «استثنای «اعمال تصدی» بر مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تعالی حقوق، ۱۳(۱۴۰۱)، ۲۱۷-۲۴۶.
۵) عزیزی، ستار و وحید بزار، «دفاع مصونیت دولت پس از پذیرش ارجاع اختلاف به دآوری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۹(۱۳۹۸)، ۴۷۱-۴۹۰.
۶) کریمی، عباس و حمیدرضا پرتو، «دآوری پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی»، فصلنامه پژوهش حقوق، ۱۴(۱۳۹۱)، ۱۵۷-۱۸۴.
۷) موسی‌زاده، ابراهیم و معصومه دارائی، «مصونیت قضایی و اجرایی دولت‌ها در پرتو آخرین تحولات»، فصلنامه مطالعات حقوق، ۲۵، (۱۳۹۷)، ۱۷-۴۳.

۱-۳- آرای قضایی

۱) دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۱۱۷۹ صادره از شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۲) دادنامه شماره ۱۴۰۳۶۸۳۹۰۰۰۳۷۲۴۸۵۳ صادره از شعبه ۷۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۳) دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۸۷۹۶۷۳۲ صادره از شعبه ۱۴۱ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی تخصصی رسیدگی به دعاوی تجاری تهران
۴) دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۰۲۸۵ صادره از شعبه ۵۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۵) دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۰۰۰۸۲۸ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۶) دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۱۰۲۰۰۰۲۶ صادره از شعبه ۱۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۷) دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۰۶۴۰ صادره از شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
۸) دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۰۰۸۴۲ صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۲- انگلیسی

- 1) BROWNLIE, IAN, *PRINCIPLES OF PUBLIC INTERNATIONAL LAW*, SEVENTH EDITION, OXFORD: OXFORD UNIVERSITY PRESS, 2008.
- 2) ANDREW DICKINSON, AND RAE LINDSAY AND JAMES P. LOONAM, *STATE IMMUNITY: SELECTED MATERIALS AND COMMENTARY*, OXFORD: OXFORD UNIVERSITY PRESS. 2005.
- 3) CHARLIE LIGHTFOOT AND JAMES WOOLRICH. *GUIDE TO ENFORCEMENT OF FOREIGN ARBITRAL AWARDS AND COURT JUDGMENTS IN ENGLAND AND WALES*. LONDON: JENNER & BLOCK LONDON LLP, 2017.

2-2- Article

- 1) BERGMANN, GEORGE A. (2011). "THE UK SUPREME COURT SPEAKS TO INTERNATIONAL ARBITRATION: LEARNING FROM THE DALLAH CASE". *AM. REV. INT'L ARB*, 2(.2011), 19.
- 2) BLANE, ALEXIS. (2008). "SOVEREIGN IMMUNITY AS A BAR TO THE EXECUTION OF INTERNATIONAL ARBITRAL AWARDS". *NYUJ INT'L L. & POL*, 41(2008), 505. DOI: 10.2139/ssrn.1522244.
- 3) Jin, Sun. (2010). "The Linkage Requirement in Enforcement Immunity," *Chinese Journal International Law*, Vol. 9, 4(2010), 699-716. Doi: 10.1093/chinesejil/jmq029
- 4) JURATOWITCH, BEN. (2016). "WAIVER OF STATE IMMUNITY AND ENFORCEMENT OF ARBITRAL AWARDS". *ASIAN JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW*, 6, 2(2016), 215-230.
- 5) OPIYA ESQ, ROBERT. (2012). "RECOGNITION AND ENFORCEMENT OF INTERNATIONAL ARBITRAL AWARDS: A COMPARATIVE STUDY OF UGANDAN AND UK LAW AND PRACTICE". AVAILABLE AT SSRN 2569014. (2012). DOI: 10.2139/ssrn.2569014

2-3- CASE

- 1) PARLEMENT BELGE CASE (1880) 5 P.D 197;
- 2) THE PORTO ALEXANDRE CASE [1918-19] ALL.ER REP.615
- 3) *Dallah Real Estate and Tourism Holding Company v. Ministry of Religious Affairs, Government of Pakistan*. [2010] UKSC 46 (Nov. 3, 2010).
- 4) *Svenska Petroleum v. Government of the Republic of Lithuania (Svenska Petroleum)*. [2006] EWCA Civ. 1529
- 5) *L R Avionics Technologies Limited v The Federal Republic of Nigeria*. [2016] EWHC 1761.
- 6) *Pocket Kings Ltd v Safenames Ltd v. Commonwealth of Kentucky*. [2009] EWHC 2529 (CH)
- 7) *AIG Capital Partners v. Kazakhstan*. [2005] EWHC 2239.